

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

ط ن ن ز

ملک الشعراء

استاد محمد نسيم "اسير"

آب از سر پریده

شعری ست که به استقبال از شعر زیبای «رهی معیری» به طنز و مُطایبه سروده شده است. مطلع غزل رهی معیری:

لاله داغ دیده را مانم
کشت آفت رسیده را مانم

بی تو، توت تکیده را مانم
پیش خوبان ز بس که رسوایم
بس که از خلق طعنه ها دیدم
من به وقت گرفتن چوکی
بر سر رتبه و به وقت سجل
در تملق به سان بادنجان
چون خمندک به رشوه بگرفتن
پیش تفتیش در سؤال و جواب
کار و باری نیاید از دستم
چرخ بسته ست دست و پایم را
رفته ام تا گلو به قرض فرو
رنگ از رخ پریده را مانم
یخن چاکدیده را مانم
لقمه نیم جویده را مانم
ممسک روزدیده را مانم
دل گژدم گزیده را مانم
روی بشقاب چیده را مانم
خون مردم مکیده را مانم
پهلوان خن جویده را مانم
کنج پیئو لمیده را مانم
تار جولا تنیده را مانم
آب از سر پریده را مانم

مفلسی بس که رخ نموده به من گف دست پفیده را مانم
نیستم در خور نوازش چرخ آب «از رخ چکیده» را مانم
سلی دهر دون خرابم کرد باغ «آفت رسیده» را مانم
در جوانی سپیدمو گشتم گگل پائیز دیده را مانم
رفته یاران ز نور و پیش مرا مرد فرد و جریده را مانم
کس به من هیچ اعتناء نکند سخن ناشنیده را مانم
دل ربوده ز خلق، شعر ترم میوه نوریسیده را مانم

بس که گویم "اسیر" عیب همه

بم از هم کفیده را مانم

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، پنجم عقرب ۱۳۳۳ هـ ش)